

از خلأ وجودک تا خوش بینے تراژیک:

جستجوک معنا و حضور خدا در ادبیات مدرن

نویسنده: باربارا ای. هویلین

www.ketab.ir

مترجم:
قربان عباسی

1311057



فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات و اندیشه

- سرشناسه : هوپلین، باربارا ا.، ۱۹۴۵- م.
 -Heavilin, Barbara A., 1945
- عنوان و نام پدیدآور : از خلا وجودی تا خوشبینی تراژیک: جستجوی معنا و حضور خدا در ادبیات مدرن/ نویسنده باربارا ای. هوپلین؛ مترجم قربان عباسی؛
- مشخصات نشر : تهران : انتشارات محسن ساکتی، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری : ۲۸۵ ص.
 شابک : 978-622-4828-01-9
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : From an existential vacuum to a tragic optimism : the search for meaning and presence of god in modern literature, 2013.
- عنوان دیگر : جستجوی معنا و حضور خدا در ادبیات مدرن.
 موضوع : ادبیات جدید -- تاریخ و نقد
 Literature, Modern -- History and criticism
 خدا در ادبیات
 God in literature
 معنی (فلسفه) در ادبیات
 Meaning (Philosophy) in literature
- شناسه افزوده : عباسی، قربان، -، مترجم
 شناسه افزوده : abbasi,Qorban
 رده بندی کنگره : PNV.01
 رده بندی دیویی : ۸۰۹/۰۳
 شماره : ۹۷۰۰۵۵۱
- کتابشناسی ملی : کتابشناسی
 اطلاعات رکورد : فیبا
 کتابشناسی : کتابشناسی
 کد پیگیری : ۹۶۹۹۱۱۳



از خلأ وجود تا خوش بینی تراژیک: جستوجوی معنا و حضور خدا در ادبیات مدرن

Barbara A. Heavilin (1945)

نویسنده: باربارا. ای. هویلین (۱۹۴۵)

مترجم: قربان عباسی

ویراستار: محسن ساکی

چاپ: اول، ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۲۸-۰۱-۹

قیمت: ۲۷۵/۰۰۰ تومان

حروف چینی، صفحه‌آرایی: انتشارات شمع آوید

طراح جلد: حسن ابراهیمی

چاپ و صحافی: پیشکام

شمارگان: ۲۰۰ جلد

انتشارات شمع آوید

کد نشر: ۱۶۰۱۹

تلفن: ۰۹۱۲۱۸۲۷۵۲۵ - مدیر مسئول: محسن ساکی

ایمیل: shameavid.pub@gmail.com

سایت سفارش خرید و تهیه نسخه الکترونیکی: <https://chaponashr.ir/shameavid>

فروشگاه فروش کتاب:

قزوین، میدان نخجگان، ضلع شرقی دانشگاه آزاد قزوین، شهر کتاب قزوین [insta: Qazvin.bookcity](https://chaponashr.ir/shameavid)

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات شمع آوید محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در

سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

From an Existential Vacuum to a Tragic Optimism:
The Search for Meaning and Presence of God
in Modern Literature

By
Barbara A. Heavilin

CAMBRIDGE
SCHOLARS

PUBLISHING

**From an Existential Vacuum to a Tragic Optimism:
The Search for Meaning and Presence of God in Modern Literature
By Barbara A. Heavilin**

This book first published 2013

Cambridge Scholars Publishing

12 Back Chapman Street, Newcastle upon Tyne, NE6 2XX, UK

British Library Cataloguing in Publication Data
A catalogue record for this book is available from the British Library

Copyright © 2013 by Barbara A. Heavilin

All rights for this book reserved. No part of this book may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted, in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without the prior permission of the copyright owner.

ISBN (10): 1-4438-5241-4, ISBN (13): 978-1-4438-5241-8

فهرست مطالب

۱۳.....	پیشگفتار
۱۹.....	مقدمه

◀ بخش اول: تأملات متناقض خداوند در دیدگاه شاعرانه: خوش‌بینی تراژیک در	
۲۹.....	بیتس، الیوت، کالریج و هاپکینز
فصل اول: از ناامیدی به خوش‌بینی تراژیک: جستجوی بیتس برای معنا در «آملن دوباره» و	
۳۱.....	«دعایی برای دخترم»
فصل دوم: در جستجوی تی. اس. الیوت برای معنای نهایی: از ویرانی سرزمین هرز تا فراخوان عشق	
در «بیتل کیدینگ» Error! Bookmark not defined.	
فصل سوم: جهان‌های نابود شده و بازآفریده شده: معنای نهایی در «کوبلاخان» اثر کالریج و «شکوه	
۸۷.....	خدا» اثر هاپکینز

◀ بخش دوم: اضطراب آمریکایی: خلأ و امکان الهی در رمان‌های اصلی	
۱۰۹.....	جان اشتاین بک
۱۱۱.....	فصل چهارم: حکمت عشق: "ما جود" و راه رسیدن به معنای نهایی در خوشه‌های خشم
۱۳۳.....	فصل پنجم: معنایی که "به بهشت" وابسته است: پایان‌نمادین/آشنایینک در شرق عدن
فصل ششم: «به سوی آن خانه‌ای که در آن چراغ‌ها روشن اند» جستجوی معنا در زمستان نارضایتی	
۱۵۱.....	ما توسط اتان آلن هاولی

◀ بخش سوم: خوش‌بینی تراژیک و پیروزی خیر: دنیای فانتزی تولکین، لوئیس و	
۱۷۱.....	رولینگ
۱۷۳.....	فصل هفتم: «بهترین‌های ما»: قدیسان و قهرمانان در ارباب حلقه‌های تولکین
فصل هشتم: آموزش و پرورش مدرن، خلأ وجودی و مردان بی‌قلب: نبرد خیر و شر در کتاب آن	
۱۹۷.....	قدرت نفرت‌انگیز اثر سی. اس. لوئیس
۲۲۷.....	فصل نهم: مسیر رسیدن به معنا: لوگوترایی جی. کی. رولینگ هری پاتر و ویکتور فرانکل
۲۵۱.....	ملاحظات
۲۶۵.....	کتابشناسی

پیشگفتار

کج جان اچ. تیمرمن

کالج کالوین

از ریشه‌های یونانی و رومی ادبیات مدرن، موضوعی بزرگ پدیدار شده است: رابطه انسانیت با خدایگان. جنگ‌ها و شایعات جنگ، عشق تجلیل‌شده و عاشقان تحقیرشده، صدای خدا و خلأ خاموش، همگی به نظر می‌رسد زیر چتر بزرگ این مسئله قرار می‌گیرند. این رابطه بین خدا و انسان‌ها گاهی منبع آرامش است، گاهی مسئله خشم کورکورانه و همیشه از قاطعیت و سادگی تفسیر دوری می‌جوید. در نتیجه، در دوران مدرن، نظریه‌های انتقادی و مجلاتی که به این موضوع اختصاص داده شده‌اند به‌وفور پدید آمده‌اند. «دین و ادبیات»، «دین در زندگی»، «مسیحیت و ادبیات» و «بررسی پژوهشگران مسیحی» تنها چهار مورد از شناخته‌شده‌ترین آن‌ها هستند. با وجود چنین توجهی در نیمه دوم قرن بیستم، آیا این بدان معناست که دیگر حرفی برای گفتن درباره این موضوع باقی نمانده است؟

برعکس، مسائل تازه به‌طور واضح تعریف شده‌اند و به همین دلیل، کتاب ارزشمند باربارا هولین با عنوان «خوش‌بینی تراژیک» ویکتور فرانکل: «خلأ وجودی و حضور خدا در ادبیات مدرن» سهم قابل‌توجهی دارد. هولین با صحنه‌پردازی مؤثر در سه بخش، فلسفه ویکتور فرانکل را به‌عنوان رشته پیونددهنده خود بین آثار مختلف ادبی مدرن انتخاب می‌کند. مفهوم او از خلأ وجودی، تأثیر وزن طاقت‌فرسای مدرنیسم طبیعی‌گرا در قرن بیستم را به تصویر می‌کشد. همان‌طور که او در بحثی درباره «آمدن دوباره» بیتمس می‌نویسد: «با مرگ مسیحیت، فقدان خدا و از دست دادن اخلاق، هیچ زبانی، هیچ معنایی وجود ندارد؛ هیچ فریادی برای رحمت، عدالت و اخلاق و فقط پوچی، بی‌معنایی و بی‌رحمی حضور دارد. این همان خلأ است.» همچنین، سطح‌گرایی نسبی‌گرایانه مدرنیسم، نویسندگان مورد مطالعه را در آن پوچی قرار می‌دهد تا به دنبال جایگزین یا راهی برای خروج بگردند.

اما مطالعه هویلین صرفاً نوحه‌گری دیگری درباره دوره‌ای بدون ارزش‌های نهایی نیست. بخشی از این موضوع به این دلیل است که راهنمای او، ویکتور فرانکل، چنین رویکردی را نمی‌پذیرفت. هر دو در کتاب‌های «انسان در جستجوی معنا: مقدمه‌ای بر لوگو تراپی» (۱۹۸۴) و «انسان در جستجوی معنای نهایی» (۱۹۹۷)، فرانکل سنت آگوستین را در آب‌های گل‌آلود مدرنیسم دوباره زنده می‌کند و او را برای زمان ما مفید می‌سازد. همان‌طور که هویلین توضیح می‌دهد، احساس بی‌معنایی، که همان خلاء وجودی است، ابتدا توسط سه‌گانه هم‌کنش خلاقیت، عشق و انتخاب اخلاقی برهم می‌خورد. چنین اعمال یا حالات وجودی، شبیه هنجارهای متعالی زندگی معنادار هستند؛ بنابراین، باید وجودی فراتر از معنا وجود داشته باشد. این، رویکرد انتقادی هویلین را شکل می‌دهد: بررسی ماهیت و ویژگی‌های مدرنیسم در آثار نویسندگان و سپس جستجوی الگوهای معنای متعالی که در آن آثار بیان شده یا به آن‌ها اشاره شده است.

نشان داده‌ام که فرانکل تحت تأثیر الهیاتی سنت آگوستین باقی‌مانده است. در این مورد باید کمی بیشتر توضیح دهیم. فرانکل همان مفهوم آگوستین را که در کتاب «شهر خدا» بیان شده است، به اشتراک می‌گذارد؛ اینکه معنای نهایی در وجود نهایی قرار دارد که ممکن است خیر یا خدا نامیده شود. علاوه بر این، برای آگوستین، این خیر تغییرناپذیر بود. با این حال، دنیای بشریت دائماً در معرض تغییر است. به یاد می‌آوریم که آگوستین در دو جبهه مبارزه می‌کرد: یکی با بدعت پلاژیوسی دو نیروی قدرتمند، یکی خیر و دیگری شر؛ و دیگری برای آزادی انتخاب انسان. او مطمئن بود که شر وجود دارد؛ اما به هیچ‌وجه همتای خدا نیست؛ بنابراین آگوستین نظریه محرومیت را معرفی کرد: هرچه ضرورتر می‌شوید، وجود، معنا و خیر کمتری دارید. فرانکل این محرومیت را تشخیص داد؛ اما به نظر می‌رسد نویسندگان مورد بررسی در این مطالعه نیز همین‌طور بوده‌اند. آن‌ها موجودات کوچک و ناتوانی نیستند که در برابر نوری بسیار کم‌رنگ اشک می‌ریزند. آن‌ها اغلب در مبارزه‌شان قهرمانانه هستند، حتی وقتی به‌ظاهر شکست می‌خورند. بزرگ‌ترین جنگی که انجام می‌دهند، بیرون کشیدن معنا از مواجهه نهایی با مرگ است و درحالی‌که انتخاب‌ها ممکن است آزادانه انجام شوند، به‌ندرت

به راحتی حاصل می‌شوند. مرزهای بین خیر و شر اغلب به واسطه سایه‌های خاکستری محو می‌شوند و گاهی نور الهی کدر است؛ بنابراین هویلین ترجیح می‌دهد آن فضاهای مبهم‌تر و عدم قطعیت را کاوش کند.

در بخش اول، «بازتاب‌های خدا در دیدگاه شاعرانه»، هویلین مفهوم «خوش‌بینی تراژیک» فرانکل را بررسی می‌کند؛ یعنی جستجوی امید در زمانی که هیچ دلیل ظاهری برای امید وجود ندارد. چهار شاعر — کلریج، هاپکینز، ییتس و الیوت — نظریه او را به خوبی نمایان می‌سازند، چراکه مدرنیسم با «نگاه درونی» رمانتیسیسم آغاز شده و به خلأ وجودی هموار قرن بیستم تبدیل می‌شود. به‌ویژه، خوانش دقیق چند شعر از ییتس به عنوان کاتالیزورهای معنوی برای مواجهه با مدرنیسم، در این بخش بسیار مؤثر است. ییتس ما را در نقطه بحران نمایشی قرار می‌دهد؛ خواننده در شعر مشارکت می‌کند و باید برخلاف جریان مدرنیته دست به انتخاب بزند یا با آن کنار بیاید.

همان‌طور که ممکن است حدس بزنید، تی. اس. الیوت در این بخش که به بحث درباره گذار به مدرنیسم می‌پردازد نقش مهمی دارد. در این راستا، هویلین به‌طور جذاب شعر همیشه پیچیده «سرزمین ویران» را بررسی می‌کند. او می‌نویسد که این شعر «شعری از تکه‌تکه شدن، پوچی روانی و فقدان قیاس است؛ شعری که در آن کیهان نه منطقی است و نه منظم.» این توصیف به‌طور مساوی برای مدرنیسم نیز صدق می‌کند؛ با این حال، هویلین اضافه می‌کند: «در پس‌زمینه این شعر، پژواک‌هایی از زمانی وجود دارد که زندگی معنا داشت و جهان، هرچند سقوط کرده بود، همچنان منشأ خود را در عدن منعکس می‌کرد؛ با خدا، انسان‌ها و زمین که همه در هماهنگی کامل بودند.» این پژواک‌های دنیای گذشته دور، همان چیزی است که هویلین به دنبال آن است و او این رویکرد را در بررسی اشعار کلریج و هاپکینز نیز دنبال می‌کند.

از آن جایی که هویلین به عنوان متخصص شناخته‌شده‌ای در زمینه مطالعات جان‌اشتاينک به شمار می‌رود، جای تعجب نیست که او در بخش دوم با عنوان «نخوت آمریکایی: پوچی و امکان در رمان‌های مهم جان‌اشتاينک»، بر روی «خوشه‌های خشم»، «شرق بهشت» و «زمستان ناراضیتی ما» تمرکز می‌کند. موضوع پیونددهنده این سه رمان، تضاد بخشیدن در برابر داشتن است. بخشیدن، عملی از فیض الهی

(شارس) است که با دیدگاه فرانکل درباره «قدیس» انسانی که آزادانه می‌بخشد، مطابقت دارد. از سوی دیگر، «داشتن» ویژگی مدرنیسم است که دوران حاضر را مشخص می‌کند و با دیدگاه فرانکل درباره «خوک» انسانی، یعنی میل سیری ناپذیر به بیشتر، همخوانی دارد.

بخش سوم، «خوش‌بینی تراژیک: پیروزی خیر در دنیای فانتزی تولکین، لوئیس و رولینگ»، به‌نظر شاهکار این مطالعه است. تحلیل‌های این سه نویسنده اصلی فانتزی به‌خوبی واضح و دقیق هستند و کاربردهای هویلین در مدرنیسم نیز بسیار قانع‌کننده است. همان‌طور که تولکین در کتاب «در باب داستان‌های پری» بیان می‌کند، هدف اصلی فانتزی این نیست که خواننده را برای همیشه از دنیای واقعی دور کند، بلکه این است که به‌مدت کوتاهی از آن فاصله بگیرد تا بتواند آن را واضح‌تر ببیند. فانتزی هرگز فرار از زندگی مدرن نیست، بلکه درگیری با آن است؛ بنابراین، هر یک از این سه نویسنده که آثارشان با الهام الهی آمیخته شده است، دیدگاهی را برای مواجهه با واقعیت ما خلق می‌کنند.

با اینکه شخصیت‌های فانتزی برای مدتی از این زمین پرآشوب فاصله می‌گیرند، اما همچنان با همان چالش‌های روان‌شناختی و معنوی مواجه می‌شوند. دلیل خلق این دنیای دیگر، مواجهه مستقیم‌تر و آشکارتر با مسائلی است که در دنیای ما در نظام و واقعیت فرورفته‌اند. این همان چیزی است که هایدگر آن را «واقعیت‌مندی»^۱ می‌نامید: پذیرش کورکورانه امور به همان شکلی که هستند و نیاز انسان برای ربودن هویت فردی از آن به‌منظور دستیابی به اصالت. هویلین در کتاب «آن نیروی نفرت‌انگیز» سی.اس. لوئیس به‌طور مستدل به این موضوع می‌پردازد، جایی که N.I.C.E به‌شدت فرمانروایی شده و ساختاریافته به‌دنبال نابودی لوگرس، شهری کوچک و تجسم‌یافته از معنویت، می‌گردد.

این مطالعه را با رضایت عمیق به پایان رساندم. این کتاب یک نگرش کلی را ارائه می‌دهد که به‌ندرت با آن مواجه می‌شویم. تحلیل‌های آن واضح و مستقل هستند، اما

^۱ Facticity

تحت نگرش و فلسفه فرانکل به وحدت می‌رسند. در اینجا آثار آشنایی وجود دارد که همچون دوستان قدیمی با لباسی جدید به نمایش درمی‌آیند. ملاقات‌های جدید به‌اندازه کافی وجود دارد تا تخیل و عقل را تحریک کند. در نهایت، این کتاب را منبعی مهم یافتیم که هرکسی به‌طور جدی درباره وضعیت عصر مدرن و جایگزین‌های ممکن برای آن فکر می‌کند، باید آن را مطالعه کند.

خلأ وجودی پدیده گسترده قرن بیستم است ... انسان ... گاهی ... حتی نمی‌داند که چه می‌خواهد انجام دهد. در عوض، او یا می‌خواهد کاری را انجام دهد که دیگران انجام می‌دهند (هم‌رنگی^۱) یا کاری را انجام می‌دهد که دیگران از او می‌خواهند (تمامیت‌خواهی^۲). (۱۱۰)

- ویکتور فرانکل، انسان در جستجوی معنا

وجودی غایی، که موازی با معنای غایی یا به زبان ساده، خدا است، به خود وجود یا وجود اشاره دارد. (۲۴۶)

- ویکتور فرانکل، انسان در جستجوی معنای نهایی

در سال ۲۰۰۸، در یک میرگرد آکسفورد با عنوان «اشارات به خدا در تثر و شعر»، من و همسر مقاله‌ای با عنوان «خوش‌بینی تراژیک»: «خلأ وجودی و خدا در دیدگاه شاعرانه» ارائه کردیم که انگیزه این کتاب شد. اصطلاحات متناقض‌نمای «خوش‌بینی تراژیک» و «خلأ وجودی»، از کتاب «انسان در جستجوی معنا» اثر ویکتور فرانکل، روانپزشک، گرفته شده است که در آن بیان می‌کند حتی در بدترین وضعیت‌ها، انسان‌ها می‌توانند در خلاقیت، عشق و انتخاب اخلاقی معنا بیابند. فرانکل در اثر بعدی خود، «انسان در جست‌وجوی معنای نهایی»، بحث خود را درباره «معنا» گسترش می‌دهد: «یک وجود غایی، موازی با معنای غایی، یا به عبارت دیگر، به زبان ساده، خدا، یک چیز در میان چیزهای دیگر نیست، بلکه خود وجود یا وجود است» (۱۴۷). فرانکل با اعتماد به عقل سلیم و دانش ذاتی خوانندگان برای درک این نیاز و تمایل اساسی، معنای «معنا» را تعریف نمی‌کند. سپس این مطالعه، به تبعیت از فرانکل، هم منتقدانی را که تلاش برای تشخیص معنای نویسنده را مغالطه‌آمیز می‌دانند و هم کسانی را که بر این

^۱ conformism

^۲ totalitarianism

باورند که معنای نویسنده برای تفسیر ضروری است، کنار می‌گذارد. فرانکل نیازی به شناسایی یا تعریف «خدا» که حضور او در ادبیات مدرن محور این کتاب است و در بسیاری از آثار ادبی مدرن به عنوان مسئله‌ساز یا ظاهراً غیرموجود تلقی می‌شود، احساس نمی‌کند.

نگاه به حضور خدا در ادبیات

بالین‌حال، دیدگاه حضور خدا در ادبیات با گذشت زمان تکامل یافته است؛ از خدایی حاضر و دل‌سوز به خدایی غیرموجود یا بی‌علاقه. این تکامل خود را در دور شدن از بُعد معنوی شناخته شده‌ای نشان داده است که تا حدود قرن هفدهم ادامه داشته است. دیدگاه‌های حضور خدا به تمرکز بر مشکلات اجتماعی در قرن هجدهم با نئوکلاسیک‌ها شروع شد و سپس در قرن نوزدهم با رمانتیک‌ها به درون‌گرایی و توجه به خود تغییر یافت. این تحول در قرن بیستم و بیست‌ویکم به شکل خودشیفتگی و وسواس که در متون مدرنیستی و پست‌مدرنیستی دیده می‌شود، ادامه پیدا می‌کند؛ بنابراین ادبیات تمایل داشته است از تأمل به بالا، به خدا و به نگاهی بیرونی به بشریت، به درون‌نگری در یک خود منزوی که از ارتباط با خدا و دیگران بریده شده است، حرکت کند. به طور مفصل، کتاب «بهشت گم‌شده» میلتون با هدف والای «توجیه راه‌های خدا برای انسان» مقدم بر عصر طنز، بر اصلاحات اجتماعی متمرکز است؛ اغلب با امید به تغییر مثبت، اما گاهی با نگاه جبرگرایانه‌ای که بشر فراتر از رستگاری است. با رمانتیک‌ها، این نگاه بیرونی به جامعه، به چرخشی درونی و ذهنی تبدیل می‌شود، مانند تظاهر نمایشی و اغراق‌آمیز شلی که می‌گوید «بر خارهای زندگی افتاده و خونریزی می‌کند».

این تغییر تمرکز از تأمل درباره ذهن خدا به مشکلات اجتماعی معاصر و خود منزوی، به بدنه ادبیات منجر می‌شود که در آن، خدا تا حد زیادی از صحنه محو می‌شود؛ بازتابی از تغییر جهت علمی و فلسفی به سمت تأیید تجربی «حقیقت» و دیدگاه شکاکانه درباره ایمان و راز.

بالین حال، عصر مدرن با حضور فراگیر و اجتناب‌ناپذیر خدا دست‌وپنجه نرم می‌کند، نویسندگانی چون مارک سی. تیلور^۱ از تداوم حضور خدا حتی بعد از اعلام مرگ او شکایت می‌کنند:

«خبر مرگ خدا تا زمانی که پِرواک آن در مفاهیم خود، تاریخ و کتاب ردیابی نشود، واقعاً نمی‌تواند به گوش ما برسد. پِرواک مرگ خدا را می‌توان در ناپدید شدن خود، پایان تاریخ و بسته شدن کتاب شنید.» (۷)

بالین حال، اعلامیه‌های رسا و تعمیم‌های گسترده تیلور ادعاهایی هستند که به خوبی مستند نشده‌اند. به‌طور مشابه، گرگوری اریکسون^۲ در تلاش است معنای عنوان کتاب خود را درباره غیبت خدا در ادبیات مدرنیستی توضیح دهد:

عنوان کتاب من، «غیبت خدا در ادبیات مدرنیستی»، قرار است چیزی متفاوت را از «ناپدید شدن خدا»ی میلر یا «مرگ خدا»ی نیچه یا آلتیزر نشان دهد. اگر خدا ناپدید شده است، این بدان معناست که او وجود داشته است و به‌نوعی قابل درک بوده است و اگر خدا مرده است، آن هم به این معنی است که او وجود داشته است، دیگر نیست و برخی اقدامات او را کشته است. اگر همان‌طور که من ترجیح می‌دهم، خدا غایب تلقی شود، پس لزوماً به معنای حضور در هیچ زمانی نیست، بلکه فقط به این معنی است که آگاهی از فقدان آن حضور وجود دارد. این به معنای برعکس حضور است، همچنین حس دل‌تنگی برای چیزی گم‌شده، یادآور «حفرة خدایی شکل»^۳ سارتر و آرزوی خدایی (احتمالاً غیرموجود) است. (۳)

در تلاش اریکسون برای تعریف آنچه از «غیبت خدا» می‌فهمد، اندوه عمیقی وجود دارد؛ تعریفی که در نهایت اذعان می‌کند آگاهی از غیبت خدا «برای چگونگی درک ما از جهان» مهم است، او همچنین تأکید می‌کند که «هرچه خدا را صدا بزنیم، احساس دل‌تنگی برای او را درک می‌کنیم که فراتر از مسائل اعتقاد و ایمان و حضور است»

^۱ Mark C. Taylor

^۲ Gregory Erickson

^۳ God-shaped hole

(۳). او در نتیجه‌گیری، «سخن پایانی: سوی دیگر خدا: خواندن در تاریکی»، خدا را در ادبیات مدرنیستی به‌عنوان «ایده‌ای از خدا که به‌عنوان حضور و عدم حضور، به‌عنوان تم هنری و بقایای خرافه وجود دارد» تعریف می‌کند (۱۹۹، [۲]).

در تقابل با این دیدگاه، این کتاب به معنا و حضور خدا در ادبیات مدرن می‌پردازد و خدا را به‌عنوان شخصی تعریف می‌کند که حضورش حتی زمانی که غیبتش به غم‌انگیزترین شکل به تصویر کشیده می‌شود، احساس می‌شود. این دیدگاه مدرنیستی نسبت به بشر، زمانی که خدا غایب به نظر می‌رسد، به‌ویژه در شعر پرنده تنوری رابرت فراست^۱ خود را نمایان می‌کند. در این شعر، پرنده از «آن سقوط دیگری که ما آن را پاییز می‌نامیم» آواز می‌خواند و به پرسش غم‌انگیز «با یک چیز کم‌ارزش چه باید کرد» ختم می‌شود. پاسخ فراست به این پرسش، پس از «پاییز» و حشتناک است: انسان‌هایی که از خدایی که به‌صورت او آفریده شده‌اند جدا شده‌اند، گم شده‌اند و انسان اکنون به یک «چیز» تقلیل یافته است.

به‌طور مشابه، در شعر صبح یکشنبه اثر والاس استیونس^۲، زنی که در میان اشیای گران‌بها مانند فنجان قهوه، پرتقال، و صندلی با رنگ روشن نشسته، در حالی که کاکادویی بر روی قالیچه‌ای پرنقش‌ونگار تصویر شده است، همچنان در افکارش درباره روز سبت، داستان فداکاری مسیحیت و مواردی از این دست غوطه‌ور است. او به عیسی فکر می‌کند و پسر خدا را با خورشید اشتباه می‌گیرد. اگرچه او تلاش می‌کند به‌جای افکار مربوط به «بهشت»، «اشیاء» خود را گرمی بدارد و به‌دنبال کشف الوهیت در درون خود باشد، نتیجه نهایی او احساس «تنهایی» و «تاریکی» است. روز به پایان می‌رسد و این شعر با بی‌خدایی، بی‌نوری و بی‌ارتباطی با طبیعت، دیگران یا حتی خود، به پایان می‌رسد. بنابراین، استیونس تصویری از آنچه می‌تواند از «چیز کم‌ارزش» فراست ساخته شود، بدون خدا ارائه می‌کند. با این حال، در غیاب ظاهری خداوند، حضور او در خاطرات غم‌انگیز زن احساس می‌شود؛ زنی که نمی‌تواند از افکارش درباره معنای سبت، خدا و بهشت فرار کند.

¹ Robert Frost

² Wallace Stevens

علاوه بر این، این کتاب از اصطلاح مدرن عمدتاً برای شناسایی ادبیاتی از دورهٔ رمانتیک به بعد استفاده می‌کند که در آن چرخشی چشمگیر به درون و تمرکز بر خود مشاهده می‌شود. همچنین، این کتاب مدرن را با مدرنیسم اشتباه می‌گیرد؛ جنبشی که لئون سورت آن را به «روحیهٔ نسبی‌گرایی و شکاکیت نیچه‌ای» نسبت می‌دهد (۲۰۹). رمانتیک‌ها با تأکید بر خود، رویکردی متفاوت از نئوکلاسیک‌ها اتخاذ کردند که بر جامعه تمرکز داشتند. در آن دوران، نئوکلاسیک‌ها با استفاده از آئینهٔ هجو، حماقت‌های انسان را آشکار می‌کردند. در مقابل، رمانتیک‌ها نگاه ثابت به بیرون از جهان را با منظره‌ای درونی جایگزین کردند. برای مثال، وردزورث به دنبال کشف «عواطف ذاتی قلب» (۷) است و بیان می‌کند که «شعر، سرریز خودبه‌خود احساسات نیرومند است» که از «احساساتی که در آرامش به یاد می‌آیند» نشئت می‌گیرد (۲۱). از این رو، چرخش درونی رمانتیسیسم آغازگر عصر مدرن به شمار می‌آید. [۳]

این کتاب همچنین از رویکرد نظری جدیدی در ادبیات استفاده می‌کند. لوگوترایی و یکتور فرانکل، که از لوگوس یونانی به معنای کلمه یا عقل و اغلب با حکمت الهی مرتبط است، نوعی تحلیل وجودی منحصر به فرد به شمار می‌رود. این مطالعه تضادی با نظریهٔ فرویدی که برخی منتقدان ادبی به آن تمسک جست‌ه‌اند، ارائه می‌دهد. فرانکل در کتاب *انسان در جستجوی معنا* نظریهٔ فرویدی و آدلری را با تحلیل وجودی مبتنی بر معنا مقایسه می‌کند:

من در تضاد با اصل لذت (که می‌توانیم آن را «ارادهٔ لذت» نامگذاری کنیم) که روان‌کاوی فرویدی بر آن متمرکز است، و همچنین در تضاد با ارادهٔ قدرت که روان‌شناسی آدلری با استفاده از اصطلاح «تلاش برای برتری» بر آن تأکید دارد، از اراده برای معنا صحبت می‌کنم. (انسان در جستجوی معنا، ۱۰۴)

فرانکل فرصت زیادی برای تأیید این نظریه در دوران اسارت خود در اردوگاه‌های مرگ نازی داشت. نظریهٔ او ناشی از این تجربه است، دورانی که او به‌طور عینی واکنش‌ها و رفتارهای هم‌زندانان و خودش را مشاهده و مطالعه می‌کرد. او دریافت که برخی زندانیان نه تنها تحمل می‌کردند، بلکه در مواقعی قادر به فراتر رفتن از شرایط

دشوار بودند. نه لذت و نه قدرت به وضعیت آن‌ها مربوط نبود، زیرا زندگی آن‌ها به پایین‌ترین سطح انسانی تقلیل یافته بود. در نتیجه، آن‌ها هیچ کنترلی جز انتخاب نگرش خود دربارهٔ مرگ و رنجی که آن‌ها را احاطه کرده بود، نداشتند. با این حال، در این آزادی نهایی برای انتخاب، آن‌ها توان بالقوه کشف معنا را برای زندگی فلاکت‌بار خود داشتند.

بر اساس مشاهدات فرانکل از قدرت تحمل و تعالی انسان — کشف معنا حتی در میان شرایط طاقت‌فرسا — او ناخوشی عصر حاضر را به‌عنوان یک خلاء وجودی، احساس پوچی، تشخیص می‌دهد. او پیشنهاد می‌کند که شاید بتوان برای این ناخوشی در خلّاقیت، عشق و انتخاب اخلاقی — حتی در مواجهه با رنج یا مرگ — چاره‌ای جست. این اعمال انسانی، بازتاب‌دهندهٔ راهی والاتر است — یا آنچه فرانکل «بُعد دیگری، ... توانایی فراتر رفتن از شرایط» می‌نامد. او در کتاب *انسان در جستجوی معنای نهایی* این بحث را یک قدم فراتر می‌برد و ادعا می‌کند که «وجود نهایی» وجود دارد که با «معنای نهایی» موازی است — یا به عبارت ساده، خدا، ... نه یک چیز در میان چیزهای دیگر، بلکه خود وجود یا وجود است (با حروف بزرگ توسط مارتین هایدگر) (۱۴۷).

نظریه فرانکل در مورد معنا و وجود نهایی، در عمل بالینی و در حین تدریس در هاروارد، استنفورد و سایر مراکز، الگویی کاملاً متفاوت از سایر انتقادات وجودی و روان‌شناختی ارائه می‌دهد. این نوع روان‌شناسی *اگزیستانسیالیستی* که به‌عنوان مقابله‌ای برای نظریهٔ ادبی فرویدی با تحلیل تصاویر جنسی، رؤیاها و تخیلات عمل می‌کند، بر مهم‌ترین جستجوی انسانی و تمایل به کشف معنا تمرکز دارد، حتی زمانی که به نظر نمی‌رسد هیچ معنایی وجود داشته باشد. این جستجو اغلب در ادبیات مدرن منعکس می‌شود و حتی اگر به‌طور ضمنی، خود این جستجو نشان‌دهندهٔ بُعد والاتر، حضور احساس‌شده‌ی خداست. همان‌طور که فرانکل تأیید می‌کند، انسان‌ها قدرت دارند بر خلاء وجودی غلبه کنند و معنا — یا حتی معنای نهایی و وجود نهایی را در خدا کشف کنند — و این امر آن‌ها را قادر می‌سازد تا با حس خوش‌بینی تراژیک زندگی کنند.

(انسان در جستجوی معنا ۱۱۱-۱۱۳؛ ۱۳۹-۱۵۴).

این کتاب به «خلاً وجودی» عصر حاضر—ناخوشی ناشی از پوچی و بی‌معنایی— و همچنین به تمایل آن به معنا و خدا می‌پردازد، همان‌طور که در سه ژانر شعر، رمان و فانتزی منعکس شده است.

بخش اول، «بازتاب‌های متناقض‌نمای خدا در دیدگاه شاعرانه: خوش‌بینی تراژیک در بیتس، کالریج، هابکینز و الیوت»، به مفهوم «خوش‌بینی تراژیک» —امید در زمانی که به نظر می‌رسد دلیلی برای امید وجود ندارد— در شعرهای منتخب می‌پردازد. از یک سو، این شعرها وحشت‌های هولناک جنگ، ویرانی و آشفته‌گی را که با احساس غالب بیگانگی، تکه‌تکه شدن و پوچی در دوران مدرن و پسامدرن همراه است، منعکس می‌کنند. از سوی دیگر، این شاعران با تصویرگری معصومیت، زیبایی، خلاقیت و عشق، برای این مصیبت‌ها وسیله‌ای برای تعالی و حضور ملموس خدا پیشنهاد می‌کنند.

بخش دوم، «اضطراب آمریکایی: پوچی و امکان در رمان‌های جان اشتاین‌بک»، مطالعاتی از خوشه‌های خشم، شرق‌بهشت، زمستان نارضایتی ما اثر اشتاین‌بک ارائه می‌دهد—رمان‌هایی که با هم یک تریلوژی حماسی منحصر به فرد آمریکایی را تشکیل می‌دهند. خوشه‌های خشم با داستانی نیمه‌تمام درباره گردیاد گرد و غبار اوکلاهما و رکود بزرگ آغاز می‌شود. شرق بهشت خوانندگان را به آغاز روایی بهشتی عدن در کالیفرنیا می‌برد و زمستان نارضایتی ما آن‌ها را به دنیای مدرن حرص و فرصت‌طلبی سوق می‌دهد. این رمان‌ها در کنار هم داستان حرص، فساد و خیانت یک ملت را روایت می‌کنند که با بزرگ‌منشی، قهرمانی و مهمان‌نوازی جبران می‌شود. شخصیت‌ها عمدتاً نماینده هر آمریکایی هستند که در زندگی آن‌ها بدترین ردایل و بهترین امیدهای یک ملت منعکس شده است. بحث در مورد این رمان‌ها در پس‌زمینه‌ی راه‌های فرانکل برای یافتن معنا و تحقق قرار دارد—که همگی به‌طور غیرمستقیم بر حضور احساس‌شده‌ی خدا، که معنای نهایی و وجود نهایی است، دلالت می‌کند.

بخش سوم، «خوش‌بینی تراژیک: پیروزی خیر در دنیای فانتزی تولکین، لویس و رولینگ»، فانتزی و علمی-تخیلی را به‌عنوان آینه‌ای برای دیدن واقعیت تعریف

می‌کند. ارباب حلقه‌ها اثر جی. آر. آر. تولکین^۱، قدرت مرموز سی. اس. لوئیس^۲ و مجموعه هری پاتر اثر جی. کی. رولینگ^۳ در پرتو راه‌های دستیابی به معنا و معنای نهایی که در خدا یافت می‌شود، از دیدگاه فرانکل بررسی می‌شوند. در عصر پسامدرن و تکه‌تکه‌شده، این آثار همچنان به دیدگاهی از خدا (اغلب از طریق فقدان ملموس او) و همچنین تمایل شدید انسان به معنا، حتی زمانی که به نظر نمی‌رسد هیچ معنایی وجود داشته باشد، صحنه می‌گذارند. به همین ترتیب، آن‌ها «خوش‌بینی تراژیک» را، همان‌طور که فرانکل می‌گوید، ارائه می‌دهند.

www.ketab.ir

^۱ J. R. R. Tolkien

^۲ C. S. Lewis

^۳ J. K. Rowling

فرهنگ اختصارات

- AB: لغو انسان (کتاب)
- CPP: مجموعه کامل اشعار و نمایشنامه های تی. اس. الیوت
- CS: تالار اسرار (هری پاتر)
- CTSE: همراه با تی. اس. الیوت
- DH: یادگاران مرگ (هری پاتر)
- EE: شرق بهشت (کتاب)
- FR: یاران حلقه (ارباب حلقه ها)
- GB: جام آتش (هری پاتر)
- GOW: خوشه های خشم (کتاب)
- HBP: شاهزاده دورگه (هری پاتر)
- JB: کتاب مقدس اورشلیم
- MSM: در جستجوی معنا (کتاب)
- MSUM: در جستجوی معنای نهایی (کتاب)
- NKJV: نسخه جدید کتاب مقدس جیمز (ترجمه)
- NOAD: فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد جدید
- OP: محفل ققنوس (هری پاتر)
- PA: زندانی آزکابان (هری پاتر)
- RK: بازگشت پادشاه (ارباب حلقه ها)
- SS: سنگ جادو (هری پاتر)
- SSL: اشتاین بک: زندگی در نامه ها (کتاب)
- ST: ماشین تحریر اشتاین بک (کتاب)
- THS: آن قدرت هولناک (کتاب)
- TT: دو برج (ارباب حلقه ها)